بسم الله الرحمن الرحیم

سردبیر: حجه الإسلام دکتر عبدالحسین خسرو پناه استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
جانشین سردبیر: حجه الإسلام دکتر سید احمد سجادی. رئیس دانشکده علوم و معارف قرآن کریم اصفهان
دبیر تخصصی: حجه الإسلام غلامرضا عادل معاون فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

ISSN 3060-5792

صاحب امتیاز: سازمان اوقاف و امور خیریه
مدیرمسئول: محمد مهرابی کوشکی

مدیر اجرایی: سید مصطفی طباطبایی
ترجمه عربی: صبیح فرجی علوی
ترجمه انگلیسی: سمانه حجارپور خلج
طراحی جلد و صفحه آرایی: ساسان رجبی

تهیه و نشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه با همکاری مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان

نشانی نشریه: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، روبروی سفارت ایتالیا، سازمان اوقاف و امور خیریه، ساختمان مهر، طبقه چهارم

www.m-begha.ir تلفن: ۰۲۱۶۴۸۷۱۲۱۲، ۰۹۰۲۴۱۶۶۳۸۴

فصل نامه علمی مطالعات بقاع و اماکن متبرکه

اعضای هیئت تحریریه

دکتر محمد علی چلونگر استاد گروه تاریخ و ایرانشناسی دانشگاه اصفهان

دکتر حسن کریمیان استاد گروه باستان شناسی دانشگاه تهران

دکتر اصغر قائدان دانشیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه تهران

حجه الإسلام دکتر مهدی خاموشی دانشیار گروه فقه و حقوق دانشگاه شهید مطهری

حجه الإسلام دکتر محمد نقیب دانشیار گروه علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

دکتر سلمانپور دانشیار گروه علوم قرآنی و فقه دانشگاه شیراز

دکتر سید احمد عقیلی دانشیار مرکزمعارف اسلامی و ادبیات فارسی،دانشگاه صنعتی اصفهان

اعضای هیئت تحریریه بین الملل

دکترهادی التمیمی استاد گروه تاریخ دانشگاه نجف

دکتر عمار عبودی نصار استاد گروه تاریخ دانشگاه کوفه

فهرست

تحلیل کیفی چالش‌های فرهنگی سیاست توسعه گورستان‌ها در بقاع متبرکه محلی ایران (مورد مطالعه: شهر اصفهان)
مجید جعفریان ۷

گچبری در معماری ایرانی با نگرش بر تزیینات کتیبه‌های گچبری بقعه پیر بکران
ساره پور شعبانیان ۳۵

تحلیل فلسفی جایگاه نور و آرامش در بقاع متبرکه از منظر حکمت اشراقی سهروردی
رقیه سهرابی ۴۹

عریضه‌ای نویافته از اهالی نیشابور به وزارت اوقاف و معارف در مورد تصرفات شاهزاده محمد هاشم میرزا بر موقوفات امامزاده محمد محروق ﷺ
ناصر حق‌شناس ۶۷

تسری تسامح در ادله سنن به زیارت مدفون شدگان بقاع متبرکه (مطالعه موردی محمد هلال)
علی غضنفری، خدیجه احمدی بیغش ۸۷

شاخصه‌ها و نمادهای هنری مزارستان تخت فولاد اصفهان
سید احمد عقیلی ۱۰۱

فصل‌نامه علمی((مطالعات بقاع و اماکن متبرکه)) به‌عنوان اولین و مهم‌ترین مرجع تخصصی در زمینه انتشار مطالعات تخصصی پیرامون امامزادگان ﷺ بقاع متبرکه، مساجد و اماکن مذهبی، با جذب و انتشار مقالات علمی پژوهشی، در مسیر کسب رتبه علمی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار دارد. لذا از پژوهشگران و صاحبنظران این عرصه دعوت میگردد مقالات خود را از طریق تارنمای مجله به آدرس زیر ارسال فرمایند:

www.m-begha.ir

موضوعات مورد پذیرش:

- مطالعات تاریخی پیرامون زندگی و سیره امامزادگان ﷺ
- علل مهاجرت و پراکندگی جغرافیایی امامزادگان ﷺ
- کارکردها و نقش بقاع متبرکه در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه و محیط پیرامون
- معماری و آرایه‌های هنری و زیبایی شناختی بقاع متبرکه
- بقاع متبرکه در آیینه آداب و رسوم و فرهنگ بومی مناطق مختلف
- بقاع متبرکه از منظر جامعه شناسی و مردم شناسی
- امامزادگان و بقاع متبرکه از منظر شعر و ادب و میراث ناملموس
- مطالعات باستان شناختی پیرامون ابنیه بقاع متبرکه - بقاع متبرکه از منظر مطالعات شهری و شهر سازی
- نقش بقاع متبرکه در سلامت معنوی، سرمایه اجتماعی، همبستگی و اتحاد ملی، و کاهش آسیب‌های اجتماعی
- نقش بقاع متبرکه در توسعه اقتصادی
- مدیریت و برنامه‌ریزی اماکن مذهبی
- مطالعات بین رشته‌ای پیرامون مساجد، اماکن مذهبی و بقاع متبرکه و سایر موضوعات مرتبط به بقاع و اماکن متبرکه

فصلنامه علمی مطالعات قرآنی و علوم متبرکه

Qualitative Analysis of Cultural Challenges of Cemeteries Development Policy in Local Blessed Monument in Iran (Case study: Isfahan city)

Majid Jafarian[1]

Abstract

What has been evident in recent decades has been the policy of developing cemeteries, especially in the blessed monument. However, this policy has serious defenders in Iran; but there is no doubt that the development of cemeteries can be one of the most serious reasons for the potential destruction of urban living and bring about numerous cultural challenges. Therefore, the purpose of this study is to answer the question of whether pilgrims and residents of two Imamzadeh in Isfahan city, How do they interpret the cultural challenges based on cemetery development policy in these two blessed monuments? The approach in this research is qualitative and the content analysis method was used to analyze the data. The sampling method was also purposeful, and empirical data was collected through semi-structured interviews with 15 people. Themes such as "lack of attention to the cultural model," "ideologizing pilgrimage to persuade the public," and "organizational incoherence in cultural work," It showed that no "cultural annexation" was carried out in line with the implementation of this policy. And the neighborhoods of both Imamzadeh due to "the prevalence of burnout in cultural life" and "damage to cultural foundations" and "the organizational focus on the idea of the grave as economic rather than cultural capital" has caused "a disruption in indigenous culture."

Keywords: Cultural Challenge, Public Space, Cemetery, Blessed Monument, Qualitative Analysis.

1. Assistant Professor, Social Ethics Department, Theology and Family Research Institute, Qom Institute of Islamic Sciences and Culture.
majidjafarian1357@yahoo.com

التحليل النوعي للتحديات الثقافية لسياسة تطوير المقابر في الأماكن المحلية المقدسة في إيران (دراسة حالة: مدينة أصفهان)

مجيد جعفريان[١]

الخلاصة

في العقود الأخيرة ظهر على السطح سياسة تطوير المقابر، وخاصة في الأماكن المقدسة. ورغم أن هذه السياسة تحظى بتأييد في إيران، لكن بلا شك يمكن أن يكون تطوير المقابر أحد الأسباب الأكثر خطورة لتخريب محتمل للبيئة الحضرية ويؤدي إلى العديد من التحديات الثقافية. ومن هنا فإن هدف الدراسة الحالية هو الإجابة على السؤال التالي: كيف يفسر الزائرون والمجاورون لهذه الأماكن المقدسة في أصفهان التحديات الثقافية القائمة على سياسة تطوير المقابر في هاتين البقعتين المقدستين؟ المنهج المتبع في هذا البحث هو منهج نوعي وتم استخدام أسلوب تحليل المحتوى لتحليل البيانات. وكانت طريقة أخذ العينات هادفة أيضاً، وتم جمع البيانات التجريبية من خلال مقابلات شبه منظمة مع ١٥ شخصاً. وأظهرت موضوعات مثل «عدم الاهتمام بالنموذج الثقافي»، و«أيديولوجية الحج لإقناع الجمهور» و«التناقض التنظيمي في العمل الثقافي» أنه لم يتم تنفيذ أي «ضم ثقافي» بما يتماشى مع تنفيذ هذه السياسة، كما عانت أحياء الإمامين من «اضطراب في الثقافة المحلية» بسبب «انتشار التآكل في الحياة الثقافية» و«تضرر الأسس الثقافية» و«التركيز التنظيمي على فكرة القبر كرأسمال اقتصادي وليس ثقافياً».

الكلمات المفتاحية: التحدي الثقافي، الفضاء العام، المقبرة، الأماكن المقدسة، التحليل النوعي

١. أستاذ مساعد، قسم الأخلاق الاجتماعية، معهد أبحاث الالهيات والأسرة، مؤسسة قم للعلوم والثقافة الإسلامية
majidjafarian1357@yahoo.com

تحلیل کیفی چالش‌های فرهنگی سیاست توسعه گورستان‌ها در بقاع متبرکه محلی ایران (مورد مطالعه: شهر اصفهان)

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹

مجید جعفریان[۱]

چکیده

آنچه در دهه‌های اخیر آشکار بوده، سیاست توسعه گورستان‌ها به‌ویژه در بقاع متبرکه بوده است. اگرچه، این سیاست در ایران مدافعان جدی دارد؛ اما تردیدی نیست که توسعه گورستان‌ها، می‌تواند از جدی‌ترین دلایل برای تخریب بالقوه زیست شهری بوده و چالش‌های فرهنگی متعددی را به همراه داشته باشد. ازاین‌رو، هدف از پژوهش حاضر، پاسخ به این پرسش است که زائران و مجاوران دو امامزاده در شهر اصفهان چالش‌های فرهنگی مبتنی بر سیاست توسعه گورستان در این دو بقعه متبرکه را چگونه تفسیر می‌کنند؟ رویکرد در این پژوهش کیفی و از روش تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. روش نمونه‌گیری نیز هدفمند بوده و داده‌های تجربی در مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر گردآوری شده است. مضامینی همچون «عدم توجه به الگوی فرهنگی»، «ایدئولوژی‌سازی زیارت جهت اقناع عمومی» و «ناهماهنگی سازمانی در کار فرهنگی» نشان داد در راستای اجرای این سیاست هیچ‌گونه «پیوست‌نگاری فرهنگی» صورت نگرفته و محلات هر دو امامزاده به دلیل «شیوع فرسودگی در زندگی فرهنگی»، «آسیب‌دیدن بن‌مایه‌های فرهنگی» و «تمرکز سازمانی بر ایده گور به مثابه سرمایه اقتصادی و نه فرهنگی» دچار «ناتزازی در فرهنگ بومی» شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: چالش فرهنگی، فضای عمومی، گورستان، بقاع متبرکه، تحلیل کیفی

۱. استادیار گروه اخلاق اجتماعی، پژوهشکده الهیات و خانواده،پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم
majidjafarian1357@yahoo.com

۱. مقدمه

در طول تاریخ، اماکن مذهبی یکی از مهم‌ترین مراکز برای تأسیس و توسعه گورستان‌ها بوده و این سیاست با نیات مختلفی تحقق یافته است. با این حال، شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل آن انگیزه مؤمنانی است که تلاش می‌کنند، باور اعتقادی و تعلقات مذهبی خودشان را هم در زمان حیات و هم پس از آن در پیوند با شخصیت‌های مذهبی رقم زده و در جایی به گور سپرده شوند که یک بزرگ دینی در آنجا مدفون باشد. به طور کلی، مرگ جزئی اجتناب‌ناپذیر از زندگی است. در نتیجه، اینکه زمینی به دفن مردگان برای احترام به آنها اختصاص داده شود، یک ضرورت است. گورستان‌ها این نیاز را برآورده می‌کنند و در نتیجه می‌توانند برای زیرساخت‌های اجتماعی ما ضروری تلقی گردند (Larkin, 2011). با این حال، گورستان‌ها اغلب در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی استفاده از زمین نادیده گرفته می‌شوند. در واقع، تأکید بر سایر کاربری‌های زمین مانند خانه‌های مسکونی و مراکز خرید و غیره به منظور پاسخگویی به نیازهای مسکن و اشتغال وجود دارد، در حالی که گورستان‌ها از این تصمیم‌گیری‌ها به دور هستند (Basmajian & Coutts,Larkin;2010).

در هر صورت، درگیری بر سر استفاده از زمین اغلب در مناطق شهری به‌سرعت در حال تغییر است. شهرها با تحرک بالا همراه هستند و اساساً برنامه‌ریزان شهری به دنبال منابعی هستند که موجب پایداری شهر شود (Antrop,2004). با این حال، تغییر کاربری اراضی در بخش گورستان‌ها افزایش یافته و آرایش‌هایی که بر اثر این گورستان‌ها موجب از بین رفتن مناطق شهری می‌شود، بسیار مورد توجه بوده است. به علاوه اینکه، در بسیاری از نقاط جهان، گورستان‌ها منبع درگیری مرد و حاکمیت نیستند. به طور مثال، در زوریخ، گورستان‌ها به عنوان پارک‌هایی برای استراحت و سپری‌کردن اوقات فراغت استفاده می‌شوند و اتفاقاً به دلیل فضای آرام و ارزش فرهنگی آنها مورد استفاده خانواده‌ها هستند (Uslu, 2010).

با وجود این، بسیاری از مطالعاتی که درباره گورستان‌ها انجام شده بر وضعیت بهداشت (San-tarsiero et al., 2000)، مشکلات زیست محیطی (Fiedler et al, 2012; Jonker & Olivier, 2012) و برنامه‌ریزی‌های نادرست شهری (Basmajian & Coutts, 2010) متمرکز شده‌اند. به طور مثال در رومانی، با گسترش سریع شهرهای بزرگ، فضاهای سبز کوچک در گورستان‌ها و مدیریت ضعیف آنها منجر به توسعه مناطقی ناامن و غیربهداشتی در داخل و اطراف گورستان‌ها شده است. گورستان‌ها به مناطقی تبدیل شده‌اند که با مشکلات زیست محیطی همراه بوده، چشم‌اندازی استرس‌زا ایجاد کرده و به دلیل موقعیت مکانی و مدیریت آن و همچنین فرایندهایی خاص و آداب و رسومی که برای دفن مردگان وجود دارد، درگیری‌های زیادی را رقم زده است (Suditu et al., 2010).

در ایران به ویژه پس از انقلاب، گورستان‌ها به دلیل اینکه غالب آنها در کنار بقاع متبرکه بود به سه جهت اهمیت جدی‌تری یافت. **نخست؛** خاستگاه اصلی انقلاب و حاکمیت، مذهب بود و به همین دلیل بقاع متبرکه که به عنوان شعائر اسلامی در حاکمیت به شمار می‌رفت بر اساس همین نگاه تعریف، احیاء و بازسازی اساسی شد. در این میان، سازمان اوقاف که پیش از انقلاب فعالیت نظام‌مندی نداشت، با مصوبات قانونی و نظارت رهبران انقلاب فعال‌تر شد و مأموریت یافت که بقاع متبرکه و قبرستان‌های معطوف به آنها را ساماندهی کند. طبیعی است که بخشی از توسعه

امر دینی در جامعه تمرکز بر جایگاه‌هایی بود که می‌تواند ایمان قلبی مؤمنین را توسعه دهد و بقاع متبرکه و آرامش گرفتن کنار آنها یکی از پایه‌های اصلی این ایده بود.

دوم؛ تقویت ایده گردشگری مذهبی برای بقاع متبرکه و حتی گورستان‌هایی بود که بقاع متبرکه‌ای در کنار آنها قرار نداشت. این ایده طرح کرد که «گردشگران مسلمان بیش از هر زمان دیگر توجه بازارهای گردشگری را به خود معطوف کرده‌اند. از آنجا که ایران کشوری اسلامی و قوانین آن مطابق با موازین اسلام است، می‌توان با توجه به پیشینه فرهنگ اسلامی گردشگری حلال را در این کشور رونق بیشتری داد. از این رو ضروری است که به سیاست‌های فرهنگی و دینی کشور ایران در جهت توسعه گردشگری حلال توجه شود» (باصولی و درخش، ۱۴۰۰؛ ۲۵). با این حال، اگرچه برخی از مکان‌های زیارتگاهی - گورستانی محل تجمع برنامه‌های خاص و مستقل فرهنگی و دینی بوده و اتفاقاً خاستگاه جریان‌های اعتقادی و سیاسی است؛ اما برخی دیگر، کانون اصلی نزاع‌های سازمان‌های مربوطه با مردم محلی در خصوص توسعه این سنخ از گورستان‌ها تلقی شده و چالش‌هایی را به همراه داشته که نشان‌دهنده ضعف سیاست توسعه گورستان‌ها است.

سوم؛ بقاع متبرکه و گورستان‌های آنها به عنوان فضاهای عمومی شهر برجسته شد. از این‌رو، آنچه پیش از این از گورستان‌ها انتظار می‌رفت که مکانی مخوف تلقی می‌شد در دستور برنامه‌ریزی‌های شهری قرار گرفت و مسیری نه به میزان توسعه همه‌جانبه شهری در معماری و ساخت و ساز، بلکه در کنار بقاع متبرکه که تضمین جدی برای بازسازی داشت، گورستان‌ها نیز سامان گرفت. اگرچه، پیش از این، برخی گورستان‌ها محل بازی و دست‌فروشی‌های جزئی بود؛ اما در خلال سیاست فضای عمومی شدن گورستان‌ها، کارکردهای جدیدتری برای آنها تعریف شد و از صورت محلی و بازارچه به فرمی بازارگونه و مراکز خرید بزرگ درآمد. در این میان، برگزاری مراسمات گسترده‌ای همچون شب‌های قدر، دهه‌های عزاداری، گسترده شدن آیین‌های وفات و نفوذ بیشتر ادارات بهداشت استان‌ها بر این امکان به تقویت این ایده کمک کرد.

با وجود این، مطالعه چالش‌های فرهنگی که در پسین این سیاست نهفته است برای برنامه‌ریزی شهری آینده ضروری بوده و بهترین مسیر درک این چالش‌ها رجوع به مردمی است که در چنین فضاهایی زیست می‌کنند؛ چرا که «ادراک مردم جایگاه مهمی در برنامه‌ریزی‌های شهری دارد؛ زیرا می‌تواند روابط بین انسان‌ها و منظره‌ای که در آن زندگی می‌کنند را به خوبی روشن نموده» (An-trop, 2004) و به شناسایی آنچه مردم محلی در مورد آن مثبت یا نامطلوب می‌نگرند، کمک کند (Wallner et al., 2007). در واقع، مردم با منظره‌ای که در آن زندگی می‌کنند ارتباط برقرار کرده و در مورد آن تأمل کنند (Lee et al., 2008). در هر صورت، تصمیماتی که مربوط به زمین‌های گورستان‌ها است بر ایده‌ها آنها در زندگی روزمره تأثیر می‌گذارد (Hur et al., 2010). اگرچه برداشت‌های آنها در طول زمان بسته به زمینه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، اهمیت زمین (اوشیو و اوراکاوا، ۲۰۱۲)، ترجیحات فردی یا گروهی (Antrop, 2004)، سطح رضایت (Hur et al., 2010) و عملکرد عوامل بیرونی محلی (Pampalon et al., 2007) متفاوت است. در اینجا بر درک افراد از مسائل تمرکز می‌شود؛ زیرا آنها می‌توانند بینش‌هایی در مورد موقعیت‌های بسیار پیچیده ارائه دهند (Lee et al., 2008).

با این نگاه؛ هدف از پژوهش حاضر، پاسخ به این پرسش است که مجاوران و زائران دو امامزاده اسحاق‌بن‌موسی‌بن‌جعفر و امامزاده محمد بن باقر شهر خوراسگان اصفهان چه تفسیری از چالش‌های فرهنگی ناظر به سیاست توسعه گورستان در این دو بقعه متبرکه دارند؟ خوراسگان، در حال حاضر به عنوان منطقه ۱۵ شهر اصفهان تلقی شده و با وسعتی نزدیک به ۷۰ کیلومترمربع در قسمت شرقی شهر در جلگه آبرفتی زاینده‌رود و بر سر راه نایین و یزد واقع شده است (برهانی رارانی و شجاعی اصفهانی، ۱۴۰۲: ۲۷۲). امامزاده اسحاق در قسمت مرکزی منطقه واقع شده و بیش از دو هزار متر مربع مساحت دارد که به صورت گورستان از آن استفاده می‌شود. امامزاده محمد بن باقر نیز در بخش غربی منطقه قرار گرفته و معروف به امامزاده خیادان (اسم محله) می‌باشد. این بقعه متبرکه بیش از ۳ هزار متر مربع وسعت داشته و از دو طرف محدود به زمین‌های کشاورزی است که بخشی از این زمین‌ها خریداری و گورهای پیش‌ساخته‌ای در آن ایجاد شده است. با وجود این، شهرک‌سازی گسترده‌ای نیز در اطراف آن در حال شکل‌گیری است.

۲. پیشینه تجربی

بررسی مطالعات تجربی در این زمینه نشان می‌دهد، پژوهشی که با رویکرد کیفی و به طور خاص به تحلیل کیفی چالش‌های فرهنگی مسئله پژوهش پرداخته باشد انجام نشده است. بسیاری از پژوهش‌ها تاریخی (مسعودی و همکاران، ۱۳۹۸، احمدی واستانی، ۱۴۰۱؛ امیری و حقیقت‌بین، ۱۳۹۹) و جنبه باستان‌شناسی(محمدی قصریان، ۱۳۹۹؛ فدائیان، ۱۳۹۹؛ حسین‌زاده ساداتی و مکوندی، ۱۳۹۹) داشته و چگونگی شکل‌گیری این گورستان‌ها، آداب و رسوم دفن و بازخوانی و احیاء میراث نفهته در آنها مورد مطالعه قرار گرفته است. اگرچه، برخی از پژوهش‌های انجام شده نیز بر گورستان‌ها و تأثیر آنها بر توسعه فرهنگی و اجتماعی شهری به عنوان فضای عمومی متمرکز شده‌اند که در رویکرد با این پژوهش متفاوت‌اند اما در اینجا به آنها اشاره شده است. به طور مثال، حقیر و شوهانی‌زاد(۱۳۹۰) در مقاله «چگونگی ارتقای جایگاه گورستان‌ها در جوانب فرهنگی و اجتماعیِ توسعه پایدار شهری در ایران (با رویکرد به نقصان دستور کار ۲۱ مصوب سازمان ملل متحد در عدم توجه به امر تنوع فرهنگی)» با اشاره به این که تک و کلان‌گورستانی‌شدن در ایران، به عنوان یکی از موانع دست‌یابی به توسعه پایدار شهری، است تلاش کرده‌اند با رویکرد کیفی نشان دهند که با توجه به جنبه فرهنگی در توسعه پایدار و سپس با علم بر نقش فرهنگی و اجتماعی گورستان‌ها در شهر در کنار آگاهی از جوانب اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی توسعه پایدار است که می‌توان، به بیان راهکارهایی برای ارتقای نقش گورستان‌ها در شهرهای ایران، به سوی دست‌یابی به توسعه پایدار رسید. امیری و حقیقت‌بین(۱۳۹۶) در مقاله « گورستان‌ها به مثابه مناظر فرهنگی در حال تحول از گذشته تا به حال» با تأکید بر این اینکه اکنون گورستان‌های متروکه و مخروبه‌ای در شهرها وجود دارد که نه تنها به عنوان مکان‌های با ارزش فرهنگی به حساب نمی‌آیند، بلکه به مکان‌های جرم‌خیز و رعب‌برانگیز برای ساکنین اطراف‌شان بدل شده‌اند، کوشیده‌اند با روشی توصیفی- تحلیلی علاوه بر تمرکز بر فرهنگ اسلامی و تکیه بر فرهنگ آیینی این گورستان‌ها به پیشینه و ارکان اصلی تشکیل‌دهنده این گورستان‌ها پرداخته و از این جهت به احیاء و استفاده مناسب از این فضاها کمک کنند.

در پژوهش‌های خارجی ارزیابی جدی‌تری نسبت به گورستان‌ها و مناطق اطراف آن صورت گرفته است. اگرچه به جنبه‌های مثبت آن نیز توجه شده است. به طور مثال، کنستانتینا آلینا و همکاران (۲۰۱۳) در مقاله «آیا کاربری اراضی مسکونی با موقعیت گورستان‌ها ناسازگار است؟» بر این باورند که کاربری‌ها در محیط‌ها و فضاهای گورستان‌ها عمدتاً ناسازگار با محیط شهری هستند. از این‌رو، آنها نشان می‌دهند که چگونه این مشکلات شکل گرفته و بر اساس چه شیوه‌ای می‌توان تعارضات بالقوه‌ای را که می‌تواند بین گورستان‌ها و کاربری‌های مسکونی مجاور ظاهر شود، شناسایی کرد و پیشنهاداتی را ارائه نمود که ممکن است آنها را کاهش دهد. آلسیندو نکل و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله «آسیب‌های زیست محیطی و تهدید سلامت عمومی توسط گورستان‌ها: پیشنهادی برای یک گورستان ایده‌آل در مواجهه با گسترش روزافزون شهری» به این نکته اشاره کرده‌اند که توسعه فزاینده زمین‌های شهری منجر به کاهش فضای موجود برای گورستان‌ها و کنار هم قرار گرفتن مناطق مسکونی و گورستان شده و موجب رشد آلایندگی بیشتری شده است. این پژوهش که با رویکرد کیفی انجام شده تلاش می‌کند با تمرکز بر سطوح آلودگی و میکروبیولوژیکی در گورستان مرکزی و با مصاحبه‌های گسترده به راه‌حل جدیدی برسد که علاوه بر کم‌کردن آلودگی‌ها، وضعیت گورستان را سامان دهد. پالول گرابالوف و هلنا نورد (۲۰۲۱) در مقاله «آینده گورستان‌های شهری به عنوان فضاهای عمومی: بینش‌هایی از اسلو و کپنهاگ» با اعتقاد بر اینکه فضاهای عمومی شهرها را قابل سکونت، سالم‌تر و از نظر اجتماعی برابرتر کرده‌اند بر این نکته تأکید می‌کنند که بحث در مورد فضاهای عمومی در درجه اول حول انواع نمادهایی مانند میدان‌ها و پارک‌ها می‌چرخد، و در این میان توجه کمی به گورستان‌ها شده است. نویسندگان با این پیش‌فرض و با تکیه بر مطالعات و پژوهش‌های فضای عمومی و گورستان و مصاحبه با ذی‌نفعان، به تجزیه و تحلیل استراتژی‌های توسعه گورستان در دو پایتخت اسکاندیناوی، اسلو و کپنهاگ پرداخته و معتقدند ظرفیت مشارکت گورستان‌ها در زیست محیط شهری به عنوان فضاهای عمومی چندمنظوره راه‌حلی برای احیای گورستان‌ها در نظر شهرداری هر دو پایتخت بوده است. پاول گرابالوف (۱۹۹۱) در مقاله دیگری با عنوان «فضاهای عمومی نامرئی: نقش گورستان‌ها در برنامه‌ریزی و توسعه شهری در مسکو» به نقش گورستان‌های شهری که بسیار وابسته به بافت است، پرداخته و تلاش می‌کند بر اساس یک تحلیل کیفی - انتقادی از اسناد مربوطه و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان، نقش این گورستان‌ها در توسعه شهری مثل مسکو را برجسته نماید. یافته‌ها در این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های برنامه‌ریزی و شیوه‌هایی که در توسعه شهری صورت می‌گیرد عملاً گورستان‌ها را به فراموشی سپرده و آنها را به عنوان بخشی که مورد توجه جامعه نیست، تلقی می‌کنند. با این حال، نویسنده به این نتیجه رسیده است که گورستان‌های مسکو دارای طیف وسیعی از ویژگی‌ها است که آنها را اگرچه در سطح سیاست نامرئی اما به فضاهای عمومی با نقشی چندوجهی تبدیل کرده و ارزشمند ساخته است.

۳. گورستان به‌مثابه فضای عمومی

فضاهای عمومی به عنوان مناطقی آزاد برای تعامل اجتماعی تصور شده و افراد در این فضاها، برای

ابراز خود و برقراری روابط اجتماعی جمع می‌شوند. افراد با رویارویی با تمایزات و تنوع در فضای عمومی، وجود خود را می‌سازند و فضاهای عمومی‌شان را تولید کرده و از طریق رفتارها، اعمال و ارتباطات روابط متفاوتی با محیط برقرار کرده و تعاملاتی را شکل می‌دهد که اتفاقاً محصول چنین فضاهایی است (Arendt, 1998). در واقع، فضاها، محصول جامعه‌اند و زندگی روزمره داده‌های مهمی برای بررسی فضای عمومی به دست می‌دهد. تفسیر مجدد و تولید مداوم فضاها توسط افراد، ماهیت پویای فضای عمومی و همچنین نیاز به ترکیب دیدگاه‌های کاربران در طراحی فضاهای عمومی را برجسته می‌کند. با شناخت نقش افراد در شکل‌دهی فضاهای عمومی، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری می‌توانند فضاهای عمومی فراگیرتر و کاربرمحوری را ایجاد کنند که نیاز شهروندان را بهتر برآورده کند.

با وجود این، تفسیر فضای عمومی از طریق رفتارها و اعمال زندگی روزمره و روابط بین فضاها و کاربران یک موضوع حیاتی در جامعه معاصر است. این رویکرد به توسعه آن بخش از فضاهای عمومی متمرکز است که نیازهای جدید کاربران را برآورده کرده و در عین حال اشکال جدیدی از فضاها و زندگی را ایجاد می‌کند. هنگام بررسی فضاهای عمومی در یک شهر، علاوه بر وضعیت فیزیکی و هرگونه مقررات حاکم بر آنها، باید ویژگی‌های اجتماعی آنها را نیز در نظر گرفت. مشاهده فضای عمومی به ما این امکان را می‌دهد که شهر را به عنوان ارگانیسمی ببینیم که در آن شهروندان از طریق تعاملات روزمره و استفاده از فضاها در شکل‌دهی و تکامل شهر مشارکت دارند. این رابطه ارگانیک بین کاربران و فضاهای عمومی، محیطی پویا و پاسخگو ایجاد می‌کند که نیازهای شهروندان را بهتر برآورده کرده و مشارکت آنها را در شکل‌دادن به آینده شهر توسعه می‌دهد (Stevens, 2007).

از نظریه‌هایی که می‌تواند به تبیین سیاست توسعه گورستان‌ها کمک کند، نظریه فضای عمومی است. در واقع، گورستان‌ها نخست به عنوان فضاهای عمومی در نظر گرفته شده و سپس دست به توسعه آنها زده می‌شود. آنچه در نظریه فضای عمومی گورستان‌ها وجود دارد این است که گورستان‌ها نظیر دیگر فضاها، «قابل دسترسی» تعریف می‌شوند (Madanipour, 2017). از این‌رو، اگر دسترسی یکی از مفاهیم محوری در نظریه فضای عمومی باشد، این سؤال را می‌توان کرد که چه نوع دسترسی؟ در همین رابطه استاهلی و میچل[1] (۲۰۰۸) نه تنها دسترسی فیزیکی بلکه مسائل مرتبط با احساس پذیرش، مهمان‌نوازی و راحتی و همچنین اقدامات و فعالیت‌های مجاز و قابل قبول را نیز تشخیص دادند. از این نظر، فضای عمومی جایی است که عموم مردم *می‌توانند* باشند (دسترسی فیزیکی) و *می‌خواهند* باشند (دسترسی نمادین). دسترسی به فضای عمومی هرگز مطلق نیست و در مکان‌ها و فرهنگ‌ها متفاوت است. با این حال، نوع طبقه‌بندی فضاهای عمومی یک ابزار تحلیلی قدرتمندی است که گستردگی نقش چنین فضاهایی را در شهرها نشان می‌دهد (Franck & Huang, 2020). اگرچه، گاهی از گورستان‌ها به عنوان نمونه‌هایی از فضاهای عمومی یاد می‌شود، منتهی، جایگاه گورستان‌ها در چنین سنخ‌شناسی‌ها متناقض است. به طور مثال، برخی در طبقه‌بندی جامع خود از فضاهای عمومی، گورستان‌ها را در کنار فضای باز عمومی همچون پارک‌ها، باغ‌ها و جنگل‌های شهری قرار می‌دهد و برخی آنها را فضاهای متفاوتی از چنین

1.. Staeheli and Mitchell

مراکزی دیده و معتقدند فضای دردسترس‌تر و خاص‌تری را در ذهن مخاطب خود تعریف می‌کند (Carmona,2010). با تکیه بر رویکرد دوم، گورستان‌ها، مدارس و بیمارستان‌ها فضاهای عمومی ویژه‌ای هستند که برای کارکردهای خاص تعیین شده‌اند. با وجود این، در این گونه‌شناسی‌ها، گورستان‌ها بین دسته‌های مختلفی قرار داشته و دست‌کم چهار بُعد می‌توان متصور شد که نقش تعیین‌کننده‌ای در چارچوب‌بندی گورستان به عنوان فضای عمومی دارند (Chiodelli, & Moro-ni,2014).

بُعد اول؛ آستانگی[1] گورستان‌ها است. آستانه بودن حد و مرزها را در گورستان‌ها توصیف می‌کند: فضاهایی که در آن جهان‌های مختلف درهم‌تنیده می‌شوند (Hajer & Reijndorp, 2001). این مفهوم در مطالعات مربوط به گورستان توسط دیرینگ مورد استفاده قرار گرفت. وی معتقد بود گورستان‌ها مکانی واقعی را با مکانی استعاری که پیچیده در احساسات و حواس ناب است، ترکیب می‌کنند (Deering,2012). در همین راستا، آستانگی به برخی از اسناد برنامه‌ریزی در مورد برخورد با گورستان‌ها به عنوان بخشی از زیرساخت‌های فضای سبز نیز ارتباط داده شده است (Nordh & Evensen,2018). بنابراین، آستانه بودن گورستان‌ها نه تنها در ویژگی فضایی آنها، بلکه در توانایی این سنخ از فضاها در انطباق معانی پیچیده و متفاوت از سایر فضاهای شهری، نهفته است. در واقع، آستانگی، گورستان‌ها را بین موقعیت‌های آشکار و فرم‌های ایستا، هم در فضای عمومی و هم در زندگی روزمره مردم، قرار می‌دهد. به طور کلی، آستانه بودن را می‌توان به تنش‌هایی که بین مجموعه‌های مختلف برای اداره گورستان‌ها وجود دارد و با یکدیگر درگیر هستند نیز تعمیم داد.

بُعد دوم؛ *فضای معنوی* است. در حقیقت، مرگ و در پی آن گورستان، معنویتی که انسان آن را به عنوان «جستجوی امر مقدس[2]» می‌شناسد به یک فضای فیزیکی و قابل حس تبدیل می‌کند (Pargament et al., 2013: 17). صرف نظر از دیدگاه‌های مذهبی، گورستان‌ها افکار متفاوت و بزرگی را برای ما به عنوان یک انسان به ارمغان می‌آورند. با این حال، غالب کسانی که در حوزه برنامه‌ریزی شهری فعالیت می‌کنند دین و معنویت را نه به عنوان حوزه‌ای از بخش خصوصی تلقی می‌کنند و نه آن را بی‌ربط به ماهیت سکولار حرفه خودشان می‌دانند و نه حتی عاملی برای تفرقه قلمداد می‌نمایند. در حقیقت در نگاه آنها دین و معنویت نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری فضاهای عمومی دارند. به عقیده آنها، دین و معنویت پیامدهای فضایی مهمی دارند و می‌توانند به سلامت عمومی کمک کنند (Sandercock,2006). در همین راستا، مک‌کلیمونت با درخواست برای ادغام فعالانه‌تر جنبه‌های معنوی در برنامه‌ریزی شهری، مفهوم «معنویت شهری» را پیشنهاد کرد که به تقدس عمومی مربوط می‌شود. به عقیده او، بُعد معنوی با جنبه‌های ترمیمی فضاها ارتباط متقابل دارد؛ به این معنا که معنویت می‌تواند درک یک محیط را به عنوان ترمیم‌کننده امکان‌پذیر کرده و اکتشافات معنوی افراد را توسعه دهد (McClymont,2016).

بُعد سوم؛ *چند فرهنگی* است که چهره متفاوت‌تری از گورستان‌ها نمایان می‌کند. در همین خصوص یانگ به این نکته اشاره می‌کند که فضای عمومی امکان ملاقات با افرادی را به دست می‌دهد

1.. Liminality
2.. the search for the sacred

که «دیدگاه‌ها، تجربه‌ها و وابستگی‌های اجتماعی آنها متفاوت است» (Youn,2011:119). از این‌رو، موقعیت گورستان‌ها هم از نظر دسترسی فیزیکی و هم به عنوان فضای دفن، صرف نظر از مذهب یا فرهنگ، برای همه باز است. بنابراین، می‌توان گورستان را به عنوان یک فضای چند فرهنگی در نظر گرفت که حضور گروه‌های قومی و مذهبی مختلف در جامعه و حق آنها برای زیستی مسالمت‌آمیز و مثبت را برجسته می‌کند (Cianetti,2020). بنابراین گورستان‌ها به عنوان فضاهای عمومی می‌توانند فرهنگ‌های عمومی متنوع را برجسته کرده و مشوق اصل مدارا در روابط اجتماعی بوده و با به اشتراک گذاشتن همدلی، ارتباطات بین فرهنگی را تحریک کنند و تفاوت‌ها را از بین ببرند (Swensen and Skår,2019).

بُعد چهارم؛ *چند منظوره‌گی* است؛ به این معنا که فضاهای عمومی از نظر کارکردی برای انواع خاصی از فعالیت‌ها و رفتارها برنامه‌ریزی و تعریف شده‌اند، اما دامنه فعالیت‌هایی که در آنها صورت می‌گیرد، متفاوت است. در حقیقت، این دامنه‌ها پر از معناهایی است که برگرفته از فرهنگ‌ها، آداب و رسوم و گویش‌های محلی است که در یک فضا جمع شده و این فضای عمومی است که می‌تواند وجه مشترکی برای همه آنها تعریف کند. در همین راستا، برخی معتقدند اگرچه، برخی از فضاها مثل مراکز خرید یک کارکرد خاص دارند و به همین دلیل به آنها اجازه نمی‌دهد که تبدیل به یک فضای عمومی شوند، حتی اگر در دسترس عموم باشند. با این حال، «استفاده واقعی» از آن فضا می‌تواند با کارکردی که برای آن برنامه‌ریزی شده متفاوت باشد: به طور مثال، همین مراکز خرید به دلیل اینکه اخیراً محلی برای برگزاری میتینگ‌های سیاسی و برگزاری مراسمات مذهبی توسط گروه‌های مختلف بوده عملاً تبدیل به یک فضای عمومی شده که می‌توان به واسطه آن منعکس‌کننده دیدگاه‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی بود (Van & Pijpers,2017). بنابراین، گورستان‌ها را نیز اگرچه می‌توان تک منظوره در نظر گرفت و در درجه اول به عنوان محل دفن و مکان‌هایی برای یادبود گذشتگان به حساب آورد؛ اما این امکان برای چنین فضاهایی وجود دارد که بسیاری از کارکردهای ثانویه را نیز داشته باشند (Quinton & Duinker, 2019). در همین راستا، مک کلیمونت نشان داد گورستان‌ها به طور هم‌زمان حاوی معانی و کارکردهای مختلف بوده و علی‌رغم اینکه احتمالاً این کارکردها در تضاد با یکدیگرند اما به‌گونه‌ای مسالمت‌آمیز می‌توان از این کارکردها به نفع شهروندان بهره برد (McClymont,2016).

۴. روش پژوهش

رویکرد در این پژوهش کیفی است. از این‌رو، برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. در واقع به افرادی مراجعه شد که «در زمینهٔ مورد بررسی یا جنبه‌هایی از آن دارای اطلاعات و شناخت مناسب بودند» (محمدپور، ۱۳۹۰:۱۹). برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از تکنیک مصاحبه نیم ساختاریافته استفاده شد و در مجموع با ۱۵ نفر (جدول شماره ۱) مصاحبه صورت گرفت. در فرایند مصاحبه‌ها پس از توضیحاتی درباره اصل مسئله و سیاست توسعه گورستان، ابتدا از مشارکت‌کنندگان پرسیده شد «توسعه گورستان در اطراف و امتداد هر دو امامزاده چه چالش‌هایی فرهنگی ایجاد کرده است؟»

جدول (۱): اطلاعات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	سن	جنسیت	وابستگی محلی
۱	۴۰	زن	همجوار
۲	۴۵	زن	فعال قرآنی
۳	۷۰	مرد	زائر محلی
۴	۴۵	مرد	زائر محلی
۵	۵۶	مرد	زائر محلی
۶	۵۰	زن	فعال فرهنگی
۷	۳۸	زن	عضو بسیج محل
۸	۵۴	مرد	سوپری محل
۹	۴۶	مرد	کارمند محلی
۱۰	۴۷	مرد	همجوار
۱۱	۳۹	زن	فعال فرهنگی
۱۲	۵۲	مرد	همجوار
۱۳	۳۲	زن	فعال فرهنگی
۱۴	۴۹	زن	فعال فرهنگی
۱۵	۶۵	مرد	زائر محلی

در خصوص تحلیل داده‌های تجربی نیز از روش تحلیل مضمون آترایدِ استرلینگ استفاده گردیده است. استرلینگ تلاش می‌کند متن را در سه مرحله کدگذاری به سه دسته از مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر تقلیل داده و آنها را در شبکه‌ای معنادار ترسیم نماید (Attride-Stirling,2001:385). بنابراین، با مطالعه دقیق گفتارها، در ابتدا تمامی ایده‌های مستقل در قالب ۳۰۰ گزاره معنادار کنار یکدیگر قرار گرفت. سپس با مرور آنها، گزاره‌های تکراری حذف و با لحاظ ارتباط معنایی، ۲۵ مضمون پایه استخراج شد. سپس با رفت و برگشت‌های مکرر در بین مضامین پایه و درک قرائن موجود بین آنها ۶ مضمون سازمان‌دهنده شناسایی و در یک قالب منسجم‌تری تدوین گردید. در نهایت بر اساس تارنمای ایجاد شده، ۲ مضمون فراگیر صورت‌بندی و پس از بازبینی مجدد در یک گزارش نهایی، تحلیل شده است (جدول ۲).

جدول (۲): مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر

نمونه گزاره‌ها	نمونه مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
من به عنوان یه زن و یه فعال فرهنگی سال‌هاست که توی این محل دارم زندگی می‌کنم و پنج‌شنبه‌ها و جمعه‌ها میرم هر دو امامزاده. نکته‌ای که وجود داره اینه که علی‌رغم برنامه‌های فرهنگی که در هر دو امامزاده هست اما فقط این قبرها داره چهارطبقه و پنج‌طبقه میشه وگرنه مشکل از مردم این محل و به‌خصوص کسایی که در جوار امامزاده هستن حل نمیشه. در واقع این مکان فقط افزایش قبر توش اتفاق میوفته وگرنه الگویی که بتونه استفاده بده نیست.	عدم پاسخ‌گویی به نیازهای فرهنگی، فقدان شناخت نسبت به ظرفیت‌های فرهنگی محلات، عدم تعریف رابطه بین متصدیان و فعالان فرهنگی محل، عدم شناخت درست از آسیب‌های فرهنگی محلی	عدم توجه به الگوی فرهنگی	عدم پیوست نگاری فرهنگی
من فکر می‌کنم کلاً زیارت یه ابزاری هستش برای تغییری که میخوان توی امامزاده ایجاد کنند. یه جوری درباره زیارت حرف بزنن که همسایه‌های امامزاده به خاطر اهمیتی هم که زیارت داره، رضایت بدن به این تغییرات.	تغییرات برای زیارت، برتری زیارت بر امورات محلی، توسعه زیارت برای ارتقاء وضعیت موجود، زیارت تقویت‌کننده رضایت‌مندی عمومی	ایدئولوژی‌سازی زیارت جهت اقناع عمومی	
والا کارهای فرهنگی که حس می‌کنم اوقاف دنبال اونهاست با کارهای فرهنگی که بسیج و کانون فرهنگی محل انجام میدن خیلی تفاوت نداره. توقع اینه که هم شهرداری که اینجا مالیات دریافت میکنه و هم خود اوقاف یه کار مشترک فرهنگی رو برای رفع آسیب‌هایی که مربوط به ساخت و ساز این قبرهاست به شکل عمومی داشته باشن.	اختلاف در نگاه‌های فرهنگی سازمانی، مشخص نبودن وظایف عمومی سازمانی در حوزه فرهنگ، عدم نظارت و پاسخ‌گویی شفاف و مستمر در خصوص نقد برنامه‌های فرهنگی موجود، فقدان برنامه‌ای فرهنگی مستمر در راستای توسعه گورستان	ناهماهنگی سازمانی در کار فرهنگی	

نمونه گزاره‌ها	نمونه مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
یه زمانی از بس اینجا ترسناک بود نمیشد از کنارش رد شد اما الان با توجه به این که زیبا و تمیز و قشنگ شده اما یه مشکلات دیگه‌ای با خودش آورده که خیلی آزاردهنده است. مثلا این کنار یه مسجد وجود داره که معمولاً اقوام متوفی مراسماتشونو ایجاد می‌گیرند یا وقتی میان میتی رو دفن کنند اینقدر سر و صدا ایجاد میشه که یه دوستی من دارم خونش اینجاست میگه ما تا که یه مرده میارن کلا واسه یه سه چهار ساعتی میریم خونه اقوامی جایی.	فرسودگی زندگی روزمره با آیین‌های پس از دفن، بی‌تفاوتی اجتماعی به محل زیارت، اضمحلال هویت اجدادی، از بین رفتن مفهوم محله، رشد آسیب‌های روانی کودکان،	شیوع فرسودگی در زندگی فرهنگی	ناترازی در فرهنگ بومی
همین امامزاده اسحاق اخیراً یه بخشی اون آخرش هست خراب کردن. از بالا که نگاه می‌کنید خونه‌های مردم همه پیداست. یعنی از وقتی که اون بخش شرقی و غربی رو شروع کردن و توسعه دادن بعید میدونم کسی دیگه رغبتی کرده باشه دنبال ساخت و ساز جدید باشه ضمن اینکه همونایی هم که هست آسیب دیده	ناترازی در درک فرهنگی مشترک، تغییر در فرم معماری محلی، مهاجرت محلی‌ها و انشقاق فامیلی، رشد فرهنگی نامتعارف،	آسیب به بن‌مایه‌های فرهنگی	
به اسم اینکه میخوان امامزاده رو سامان بدن به عقیده من دارن با این گورستان‌ها خرید و فروش املاکی رو میکنن که اتفاقاً پرسود هم هست واسشون. این خرید و فروش واقعاً از حدی که باید خارج شده و داره جنبه کسب و کاری رو پیدا میکنه که یه طرفش مردم هستند یه طرف سازمان اوقاف و این رویه به صلاح نیست و وجهه خوبی هم نداره.	افول ارزشمندی املاک مجاور، رقابت سازمانی با قبرستان‌های مرکزی، روابطی‌شدن خرید و فروش قبر، نابودی املاک حاصل‌خیز	گور به مثابه سرمایه اقتصادی	

نمودار شماره ۱: شبکهٔ مضامین چالش‌های فرهنگی سیاست توسعه گورستان‌ها در بقاع متبرکه

۵. تحلیل یافته‌ها

۵-۱. عدم پیوست‌نگاری فرهنگی

نخستین چالشی که به عنوان مقوله فراگیر از تحلیل مصاحبه‌ها به دست آمد، عدم پیوست نگاری فرهنگی[1] در توسعه گورستان‌هایی است که در امتداد بقاع متبرکه ایجاد شده است. عمدتاً هدف در تدوین پیوست نگاری فرهنگی ترمیم و تکمیل نارسائی‌هایی است که ممکن است برخی عوامل ساختاری و اجتماعی بر سر فرهنگ آورده و تحولات فرهنگی غیرمتعارفی را در یک جامعه رقم زده باشد. در صورتی که بپذیریم فرهنگ «نظام‌واره‌ای از باورها و مفروضات اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا و نمادها و مصنوعاتی است که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد» (بنیانیان، ۱۳۹۰: ۱۶). پیوست نگاری فرهنگی مجرایی است که از طریق آن پیشرفت کشور بدون آسیب به هویت فرهنگی و بومی و بدون تغییر ارزش‌های فرهنگی و دینی انجام می‌شود. گرچه جهت‌گیری پیوست فرهنگی به سمت حفظ ارزش‌ها و میراث فرهنگی است در همان حال زمینه‌ساز اجرای موفق و صحیح طرح‌های عمرانی نیز خواهد بود (قادری، ۱۳۹۰: ۳۱). این نکته نشان می‌دهد که پیوست فرهنگی چگونه می‌تواند ارزش‌ها و میراث فرهنگی را به کنه پروژه‌های عمرانی پیوند داده و از آنها به عنوان ابزاری برای توسعه فرهنگی یک جامعه استفاده کند. تحلیل گفتارهای مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد عدم پیوست نگاری فرهنگی به عنوان اولین چالش به سه دلیل عمده زیر در قالب سه مضمون سازمان‌دهنده رخ داده است.

1.. Cultural attachment

۵-۱-۱. عدم توجه به الگوی فرهنگی

تحلیل داده‌های تجربی نشان می‌دهد *عدم توجه به الگوی فرهنگی* در تحقق ایده سیاست توسعه گورستان‌ها به الگوی فرهنگی رایج در منطقه توجه نشده است. در واقع، زمانی می‌توان دست به پیوست نگاری فرهنگی زد که الگوی فرهنگی رایجی پشتوانه آن قرار گیرد. به طور مثال، زمانی تأکید شد که گورستان‌های قدیمی به عنوان یکی از ناب‌ترین مکان‌های گردشگری مذهبی است؛ چون پشتوانه اساسی آن نوعی از فرهنگ بود که نشان می‌داد دین چگونه در کالبد فرهنگ ایرانی صورت‌بندی جدیدی یافته است. در واقع، گورستان نمادی از ترکیب سنت ایرانی - اسلامی است برای گردشگری که تلاش می‌کند دین را در بطن فرهنگ‌ها به‌ویژه فرهنگ دینی فهم کند.

بر پایه این نظریه، اگرچه هر دو محلی که امامزادگان در آن قرار دارند واجد الگویی قوی از دوره صفویه می‌باشند اما عملاً هیچ نشانه‌ای از این الگو نه گورستان و نه در امامزاده است. در همین رابطه مشارکت‌کننده ۴۵ساله تأکید داشت «دوتا کوچه پایین‌تر از این امامزاده (محله علیا) حمام نقاشی هست که اتفاقاً یکسالی در حال بازسازی‌اش بودند و چقدر هم خوب شده؛ چرا چون میگن که مربوط به دوره اول صفوی و ۴۰۰ سال پیش هست و تلاش‌کردن که نمادهای اون دوره رو توی این حمام مجدداً کار کنند، اما این گورستانی که الان در این امامزاده داره توسعه پیدا میکنه متأسفانه هیچ بویی از این فرهنگ نبرده و صرف یه گورستانه و یه گورسازی هست و نه چیزه دیگه‌ای. انگار نه انگار که این محل چیزی تحت عنوان فرهنگ صفوی درش بوده».

با وجود این، مشارکت‌کنندگان تأکید داشتند که «نسبت به نیازهای فرهنگی در این منطقه پاسخ‌گویی وجود ندارد» و «آنچه در خصوص این منطقه انجام می‌شود عملاً بر مبنای ظرفیت‌های فرهنگی موجود در آن نیست». این گفتارها با تکیه بر گزاره‌های همچون «عدم تعریف رابطه بین متصدیان و فعالان فرهنگی محل» و «عدم شناخت درست از آسیب‌های فرهنگی محلی» نشان می‌دهند پیمایش به عنوان اساسی‌ترین کار مقدمی در پیوست نگاری فرهنگی این منطقه صورت نگرفته است. این گزاره‌ها بر این نکته تأکید دارند که «اساساً نیازی به ایجاد الگو هم نبوده بلکه کشف الگوی پیشین به عنوان نخستین استراتژی جهت استفاده از آن در توسعه یا عدم توسعه گورستان در این منطقه باید در اولویت باشد که نبوده است».

۵-۱-۲. ایدئولوژی‌سازی زیارت جهت اقناع عمومی

«*ایدئولوژی‌سازی زیارت جهت اقناع عمومی*» دلیل مضمونی دیگری است که بر عدم پیوست نگاری فرهنگی به عنوان یک چالش تأکید دارد. فردیناند دومون[1] «ایدئولوژی را نظامی از ایده‌ها و قضاوت‌های روشن و سازمان‌یافته می‌داند که برای توصیف، استنتاج یا توجیه موقعیت یک گروه یا جامعه به کار می‌رود و اساساً از ارزش‌ها نشئت می‌گیرد و رهنمود دقیقی برای عمل تاریخی این گروه یا جامعه ارائه می‌دهد» (بشلر، ۱۳۷۰: ۷). با این تعریف از ایدئولوژی، منظور از ایدئولوژی‌سازی یعنی نگرشی که موجب می‌شود یک امر دینی، سیاسی و یا اجتماعی در یک قالب و فرمی معین ایده‌ها و نگرش عمومی جامعه نسبت به یک سوژه را اقناع کرده و یا در مواردی تغییر دهد. در

1.. Ferdinant Dumont

حقیقت، بین ایدئولوژی‌سازی یا ایجاد نگرش نسبت به یک سوژه و وجود یک ایدئولوژی نسبت به یک امر خاص، در جامعه فرق اساسی وجود دارد.

با تمرکز بر این دیدگاه، اصل زیارت یک ایدئولوژی خاص مذهبی است اما نگرشی که نسبت به آن در حوزه عمومی برای توجیه امر دیگری (توسعه گورستان) توسط متولیان امر صورت می‌گیرد، ایدئولوژی‌سازی را رقم می‌زند. بنابراین؛ آنچه در هر دو امامزاده اتفاق افتاده، استفاده از امر زیارت برای اقناع عمومی جهت توسعه گورستان بوده است؛ به این معنا که زیارت مبنایی برای تغییر نگرش‌ها به این سمت است که توسعه گورستانی که در کنار بقعه متبرکه صورت می‌گیرد، یک امر و دستور دینی بوده و علاوه بر آنکه موجب ثواب اخروی است، مخالفت با آن، نوعی شکست فرد و اجتماع در تعلقات مذهبی خویش می‌باشد. در این میان، گزاره‌هایی همچون «تغییراتی که الان در حال رخ‌دادن است به اسم زیارت امامزاده انجام می‌شود»، «زیارت بر امورات محلی‌ها برتری دارد»، «تغییراتی که در امامزاده و گورستان انجام می‌شود، قرار است که موجب ارتقاء وضعیت موجود (مثلاً تغییر در قیمت خانه‌ها داشته باشد)، شود»، «از زیارت استفاده می‌شود تا به کمک آن رضایت‌مندی همسایه‌ها حاصل گردد» به خوبی نشانگر چگونگی این فرایند است. تلاقی دو امر دینی و عرفی در رضایت‌مندی، ارتقاء وضع موجود و امورات محلی رخ داده و توجیه‌کننده شرایط توسعه، زیارتی است که بر مبنای اعتقادات قلبی شهروندان صورت می‌گیرد. در همین رابطه مشارکت‌کننده ۵۲ساله می‌گفت: «هر موقع ما شکایتی داشتیم و اومدیم امامزاده به ما گفتن که امامزاه و زیارتش حرمت داره. تأکید کردن به ما که اصل برای همین زیارته و چه خوبه که بتونید عزیزان خودتونو همینجا کنار امامزاده خاک کنید تا اینکه ببرینشون باغ رضوان (قبرستان مرکزی شهر اصفهان) که دور هست و غریب». مشارکت‌کننده ۴۷ساله دیگری با تأکید بر همین نکته اشاره می‌کرد که «مدام اینجا دنبال این هستن که به واسطه زیارت و تأکید بر ثوابش ما رو از شرایطی که حاصل شلوغی ترافیک و سر و صدا و دیدی که روی خونه‌هامون هست، راضی نگه دارند. حتی یه روز یکی از این آقایون گفتش که چه ثوابی بالاتر از اینکه شما اگه مشمول دعای اون کسی هستین که عزیزش رو اینجا دفن کرده. بالاخره زیارتی میخونه ثوابش به شماها هم میرسه حتی اگه اذیت بشین».

۵-۱-۳. اختلاف در نگاه‌های فرهنگی سازمانی

بر مبنای تحلیل مصاحبه‌ها «*اختلاف در برنامه‌ریزی فرهنگی سازمان‌ها*» سومین دلیل مضمونی بر فقدان پیوست نگاری فرهنگی به عنوان یک چالش برساخت شد. برنامه‌ریزی فرهنگی «تلاش و تغییر و تحول مطلوب برنامه‌ریزان در مسائل اعتقادی، ارزش‌ها، هنجارها، باورها، نگرش‌ها و آداب و رسومی است که مجموع این عوامل فرهنگ جامعه‌ای را شکل می‌دهد» (سهیلی،۱۳۹۲: ۵۰). بر اساس این تعریف عمدتاً عامل اصلی در عدم پیوست نگاری تفاوت در نگاه و رویکردی است که سازمان‌های متصدی امور فرهنگ، به برنامه‌ریزی فرهنگی دارند. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند: «اگر قرار است توسعه‌ای در گورستان‌ها آن هم در مناطق محلی انجام شود، بدون تردید؛ این فضا نیازمند طرح‌های جدید فرهنگی هم خواهد بود، اما این طرح‌ها به دلیل اختلافاتی که در برنامه‌ریزی

فرهنگی سازمان‌ها وجود دارد رشد چندانی در سطح شهر نداشته است». مشارکت‌کنندگان بر این گزاره‌ها اصرار می‌ورزیدند که «اداره کل اوقاف نسبت به طرح و اجرای کارهای فرهنگی از بسیاری سازمان‌های فرهنگی دیگر عقب‌تر است؛ چون کار فرهنگی در امامزاده‌ها متفاوت از کار فرهنگی در دیگر مراکز دینی نظیر مساجد و حسینیه‌هاست و اوقاف کاری در این زمینه که متناسب با شرایط فرهنگی باشد انجام نداده است»، «امامزاده و گورستان اصلی‌ترین مکان برای کار فرهنگی است اما اوقاف در نگاه فرهنگی خودش با دیگران توافقی ندارد»، «کار فرهنگی مستلزم ایده‌سازی است و اوقاف نسبت به طرح ایده‌های جدید در حوزه فرهنگ، اعتقادی به نوآوری در و نوسازی فرهنگ ندارد».

بر همین مبنا، مشارکت‌کننده ۳۹ساله و فعال فرهنگی اعتقاد داشت: «کار فرهنگی اوقاف فقط برای مناسبت‌هاست و نه غیر از اون. ماه مبارک رمضان و محرم و دهه فاطمیه (س) زمان‌هایی هستن که اوقاف برنامه داره که اتفاقاً همین برنامه‌ها مزید بر نارضایتی مردم هم‌جوار امامزاده است. در حالی که به نظر من اگه اوقاف بیاد توافق کنه با برخی از مراکز فرهنگی مثل سازمان رفاهی شهرداری قطعاً به طرح‌ها و ایده‌هایی خوبی می‌تونه برسه که رضایت عمومی مجاورین و زائرین امامزاده هم فراهم بشه». مشارکت‌کننده دیگری می‌گفت: «ببینید در اینجا یه کسی فوت میکنه و میارنش واسه دفن. توقع این هستش که اوقاف به شکلی فرهنگ‌سازی بکنه که هم خانواده‌ای که متوفی داره با رضایت از امامزاده بره و هم داستان به شکلی راهبری بشه که همسایه‌ها ناراضی نش. ولی متأسفانه چنین اتفاقی نیوفتاده. من یه بار خودم شاهد بودم سرایدار اینجا اومد کنار یکی از اعضاء خانواده داغدار و بهش گفتش که اگه صداتون پایین نیاد همسایه‌ها میان دعوا راه میندازن و آبروی متوفی‌تون میره و ما هم کاری نمی‌تونیم بکنیم». با این حال، به عقیده مشارکت‌کنندگان «مشخص نبودن وظایف عمومی سازمانی در حوزه ترویج فرهنگ عمومی در گورستان‌ها» و «عدم وجود نظارت و پاسخ‌گویی شفاف و مستمر در خصوص نقد برنامه‌های موجود فرهنگی» منجر به تشدید نارضایتی‌ها و البته فقدان برنامه فرهنگی روشن و مستمری در راستای توسعه گورستان شده است.

۵-۲. ناترازی در فرهنگ بومی

ناترازی در فرهنگ عمومی دومین مقوله فراگیری بود که از تحلیل مصاحبه‌ها به دست آمد. ناترازی فرهنگی[1] به طور کلی با مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی درهم‌تنیده است که فرایندی است که اساساً درآمد، ثروت، جنسیت، اطلاعات، اصول، هنرها، مقررات، استانداردها، ارزش‌ها و سایر توانایی‌ها و همچنین آداب و رسومی که برای بخشی از یک جامعه لازم است را به چالش می‌کشد (Avruch,1990). در هر صورت، ناترازی یا همان نابرابری، به وضعیت ناعادلانه جامعه اشاره دارد که در آن برخی از افراد فرصت‌ها و شرایط بهتری و بیشتری نسبت به دیگران برای دریافت حمایت اجتماعی در حوزه‌های مختلف برخوردارند (Doyle and Stiglitz 2014). به عبارت دیگر، ناترازی فرهنگی، حلقه‌های بازخورد متقابل نابرابری‌های مداوم بین گروه‌ها و نهادها برای دست‌یافتن

1.. Cultural Inequality

به حقوق عمومی در جامعه است. بر اساس این نظریه، این مهم است که در توسعه گورستان بر اساس کدام مؤلفه‌ها می‌توان روشن ساخت که ناترازی فرهنگی یعنی نابرابری در درک و شناخت ارزش‌هایی که دال بر رعایت حقوق شهروندی دارد، رخ داده است. بر اساس تحلیل مصاحبه‌ها، دو مضمون سازمان‌دهنده «*شیوع فرسودگی در زندگی فرهنگی*» و «*آسیب به بن‌مایه‌های فرهنگی*» نقش تعیین‌کننده‌ای در نشان‌دادن این ناترازی داشته‌اند.

۵-۲-۱. شیوع فرسودگی در زندگی فرهنگی

شیوع فرسودگی در زندگی فرهنگی به این معنا است که آنچه از فرهنگ برای ایجاد نظم اجتماعی در جامعه انتظار می‌رود، به دلایل متعددی تحقق نیافته و فرسودگی آن زمانی است که فرهنگ به دلیل نارسایی‌ها و نابرابری‌های اجتماعی خودش را در ناسازگاری با مسئله‌ها نشان می‌دهد. در مسئله توسعه گورستان‌ها، شهروندان انتظاراتی از نظام شهری دارند که با رویه ناسازگار بوده و زندگی روزمره آنها را به سمت سویه‌های غیر اخلاقی سوق داده است. به عقیده مشارکت‌کنندگان از جمله اتفاقاتی که این ناسازگاری را رقم زده مسائلی است که در خلال آیین‌ها و مراسم‌های مربوط به دفن در امامزاده‌ها رخ می‌دهد. در حقیقت، سروصداهای مصیبت‌زدگان و شیون و گریه‌های مدام آنها، عمومی شدن نقل‌قول‌ها از داستان‌های مرگ فوت‌شدگان، شخصیت بد اجتماعی فوت‌شدگان و رشد فزاینده دعواهای خانوادگی بر سر میراث اجدادی به دلیل شرایط بد اقتصادی زندگی مجاوران را دستخوش ناملایمات کرده است. به طور مثال مشارکت‌کننده ۵۲ساله درباره شخصیت اجتماعی یکی از متوفیان می‌گفت: «چند وقت پیش فردی را آورده بودند دفن کنند که می‌گفتند نزول‌خور بوده. جای قبر که مشخص شد خانواده‌ای که قرار بود آن فرد روی عزیزشون دفن بشه (قبرها عمدتاً چهار طبقه‌س) سریع به امامزاده آمده بودن و دعوایی به پا شد که نگو». به علاوه اینکه همین آیین‌ها به رشد توهمات مرگ‌مآبانه در کودکان نیز دامن زده است. مشارکت‌کننده ۶۵ساله در این خصوص بیان می‌کرد: «یکی از اقوام ما که هم‌جواریکی از این امامزادگان زندگی می‌کند در خصوص بیماری روحی پسرش به روان‌پزشک مراجعه کرده بود، روان‌پزشک گفته بود علت بی‌قراری‌های کودک شما دیدن بیش از حد این مراسمات است و باید منزل خودتونو ولو کوتاه جابه‌جا کنید. جالب بود که ایشون می‌گفتش که بچه‌های همسایه‌ها هم کم و بیش همین داستان رو دارن و ما چطوری میتونیم با این وضعیت بد اقتصادی حتی واسه اجاره جابه‌جا بشیم».

مضمون پایه دیگری که در جهت توضیح فرسودگی در زندگی فرهنگی قرار داشت، *بی‌تفاوتی اجتماعی*[1] نسبت به محل زیارت بود. به طور کلی، «بی‌تفاوتی اجتماعی بیانگر بی‌احساسی، بدبینی، بی‌میلی و حالتی از نبود احساس درونی و عاطفه، عدم علاقه و درگیری هیجانی نسبت به محیط خود است» (مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۷۲۱). با توجه به این نظریه، محلی که هم عامل افزایش مشارکت‌های اجتماعی است و احساس اثربخشی در کنشگران را افزایش می‌دهد و هم به دلیل ایجاد تقید و هنجارپذیری در افراد از احساس آنومی آنها جلوگیری می‌کند، چه چیزی موجب بی‌تفاوتی اجتماعی محلی‌ها نسبت به آن شده است.

1.. Social indifference

تحلیل گفتارهای مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که دو عامل «اضمحلال هویت اجدادی» و «از بین رفتن مفهوم محله» بی‌تفاوتی اجتماعی دامن زده است. هویت اجدادی به واسطه دفن غیر محلی‌ها در این گورستان در حال فروپاشی است. در همین رابطه مشارکت‌کننده ۴۷ساله می‌گفت: «بیش از ۱۰ سال است که از اطراف و اکناف کسانی که پول بیشتری دارن و به دلیل دور بودن باغ رضوان و البته حرمت امامزاده برای دفن مرده‌هاشون به اینجا مراجعه می‌کنند و ما که وضع مالی‌مون خوب نیس مجبوریم مرده‌هامونو ببریم باغ رضوان یا حتی دورتر. این شده که دیگه بچه‌های خود ما آقاجون و مادرجونشون اینجا نیستن و کم‌کم از گذشته آباء و اجدادی خودمون داریم دور می‌شیم». این گزاره به معناست که تأثیر مردگان بر زندگان، بیشتر از تأثیر زندگان بر مردگان است. نکته دیگری که وجود دارد، دفن غیر محلی‌ها باعث از بین رفتن مفهوم محله نیز شده است. در واقع، توسعه گورستان با هدف عمومی‌سازی دفن صورت می‌گیرد، در حالی که پیوستگی افراد محلی با امامزاده که بخشی از آن باید به دفن مردگان آنها در همین محل اختصاص داده شود، اتفاق نیفتاده و نوعی نگاه فرامحلی ایجاد شده است.

در همین رابطه مشارکت‌کننده ۴۵ساله می‌گفت: «بچه‌های من به خاطر اینکه خیلی غریبه اینجا توی امامزاده رفت و آمد میکنه نسبت به اصل محل هم دچار یه زدگی شدن. همین عموی من سه تا غیر محلی روش دفن هستن که هر موقع ما میریم اینقدر احساس غریبگی می‌کنیم که فاتحه خوندن رو ولش می‌کنیم. گاهی من از خودم می‌پرسم آیا واقعاً من بچه همین محلم یا یه جای دیگه اومدم این باعث شده که گاهی حتی توی خود امامزاده هم نرم». در تأیید این دیدگاه، مشارکت‌کننده ۳۹ساله و فعال فرهنگی می‌گفت: «بسیاری از افرادی که برای زیارت اینجا میان جدای از زیارت دلخوشیشون اینه که پدرشون یا مادرشون اینجا دفن هست. اما با توجه به گستردگی که در گورستان ایجاد شده و امتیازی که به برخی از افراد غیر محلی برای دفن داده شده این حس همدل‌بودن آدم‌های این منطقه رو با مردگانشون و به تبع با اصل زیارت امامزاده دچار تردید کرده و این خیلی بده».

۵-۲-۲. آسیب به بن‌مایه‌های فرهنگی

«آسیب به بن‌مایه‌های فرهنگی» مضمون سازمان‌دهنده دیگری است که در شکل‌گیری مقوله ناترازی در فرهنگ بومی نقش داشت. منظور از بن‌مایه‌های فرهنگی هرگونه مفهوم، نقش، درک و رابطه‌ای است که در پیوند با فرهنگ یک منطقه و یا جامعه بوده و نقش تعیین‌کننده در هویت‌مندی افراد دارد. مشارکت‌کنندگان چند عامل را علت اصلی آسیب به بن‌مایه‌های فرهنگی در این منطقه می‌دانستند. نخست، وجود ناترازی در درک فرهنگی مشترک از آداب و رسوم اجتماعی محل و منطقه است. پیش از این گفته شد که دفن غیر بومیان به دلیل فروش گورستان به آنها چگونه باعث ازهم‌گسیختگی هویتی شده است. در واقع، علی‌رغم رفت‌وآمدهای زیادی هم که در محلات امامزادگان می‌شود نه تنها وجه مشترکی برای کنش‌ها و تعاملات وجود ندارد بلکه فقدان این درک مشترک موجب درگیری‌های کلامی و در برخی موارد برخوردهای فیزیکی می‌شود. در همین رابطه مشارکت‌کننده ۴۹ساله می‌گوید: «شما بعضی موقع‌ها می‌بینید که غیر بومی‌ها برای متوفای

خودشون مراسمی گرفتن. خب عمده مراسمات هم روز پنجشنبه هست. من شخصاً درگیری‌های حرفی زیادی بین اون خانواده و کسانی که محلی هستند دیدم و به نظر من علت این درگیری‌ها هم تفاوت‌های فرهنگی در این منطقه است. در واقع، درکی بین محلی‌ها و اونها وجود نداره». مشارکت‌کنندگان می‌گفتند: «عدم تمرکز نگاه فرهنگی متولیان امامزاده به حل تعارضات فرهنگی موجود، به تشدید این وضعیت کمک کرده است».

نکته دیگری که در این خصوص مشارکت‌کنندگان بر آن تأکید داشتند، «مهاجرت محلی‌ها از سکونت‌های اجدادی خود و انشقاق فامیلی گسترده و جایگزینی افراد غیر محلی بخصوص کسانی که مردگان خود را در گورستان امامزاده دفن کرده‌اند، در آنجا است». مشارکت‌کنندگان می‌گفتند: «این مسئله باعث رشد نوعی فرهنگ نامتعارف در منطقه و اضمحلال فرهنگ بومی شده است». از دیگر بن‌مایه‌های فرهنگی که به آن آسیب جدی وارد شده، ساخت و ساز و به طور کلی معماری در محلات امامزادگان بود. بدون تردید، معماری، نمادی‌ترین عنصری است که آئینه تمام‌عیار ویژگی‌های ساختاری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک جامعه است. اگرچه، احتمالاً تلاش گورستان به ماهیت گردشگری امامزاده نیز کمک کند اما عملاً آنچه به عنوان معماری باید در خانه‌های اطراف امامزاده اتفاق افتد، رخ نداده است. در همین رابطه مشارکت‌کننده ۵۰ساله و فعال فرهنگی می‌گفت: «بالابودن سطح گورستان نسبت به خانه‌های اطراف و مشرف شدن معماری به عنوان ظرف زندگی انسان، آئینه تمام نمای فرهنگ در هر جامعه‌ای است که در تعاملی تنگاتنگ با ویژگی‌های آن جامعه قرار دارد».

۵-۲-۳. گور به مثابه یک سرمایه اقتصادی و نه فرهنگی

بر اساس تحلیل مصاحبه‌ها، «گور به مثابه یک سرمایه اقتصادی و نه فرهنگی» سومین مضمون سازمان‌دهنده مؤثر در شکل‌گیری ناترازی در فرهنگ بومی منطقه است. پیر بوردیو معتقد بود سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی وجود دارد و دو نوع اجتماعی و فرهنگی «اشکال پنهان سرمایه اقتصادی» می‌باشند. با این حال، آنچه که خاستگاه مالکیت سرمایه اقتصادی است، قدرت نمادین است (Richardson,1986:241). قدرت نمادین، به این معناست که سرمایه از طریق منافع حاصل از شبکه‌های اجتماعی تجلی یافته و از آن دسته از ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سرچشمه می‌گیرد که قدرت و موقعیت متفاوتی را برای افراد خاص و نه دیگران ایجاد می‌کند. قدرت و موقعیت نیز هنجارهای اجتماعی متناسب با همان ساختارها را ایجاد خواهد کرد. بنابراین، سرمایه به معنای داشتن یک شبکه اجتماعی بزرگ نیست، بلکه داشتن موقعیت اجتماعی است که ظرفیت استفاده از شبکه اجتماعی را ایجاد می‌کند.

گفتارهای مشارکت‌کنندگان این نظریه را تأیید کرده و نشان می‌هد آنچه گور را به مثابه یک سرمایه اقتصادی و نه فرهنگی قرار داده، تجارت‌گری مبتنی بر قدرت سازمانی است. در حقیقت، نگاه‌های برگرفته از قدرت درون‌سازمانی است که مشخص می‌کند گور نه به عنوان یک سرمایه فرهنگی بلکه در موقعیتی قرار دارد که به واسطه آن می‌توان صورت‌های مهمی از حوزه‌های مختلف اقتصادی را رقم زد. در راستای این تحلیل مشارکت‌کنندگان معتقد بودند خرید و فروش قبور روابطی

شده و به همین دلیل پیش‌فروش قبرها یک ایده مهم اقتصادی در هر دو امامزاده است. در همین رابطه مشارکت‌کننده ۴۵ساله بیان می‌کرد: «پدر ما فوت کرد، مراجعه کردیم برای دفن ایشان در حالی که ما همسایه و مجاور امامزاده بودیم متولیان وقت گفتند که ما همین الان چند صد قبر آماده داریم که پیش‌فروش شده که اگه همین الان مثلا چند صد نفر فوت کنند برای آنها جا وجود دارد اما قبری که بتوانیم الان به شما بفروشیم و شما استفاده کنید، نداریم و باید قبلاً پیش‌فروش می‌کردید».

نکته دیگر در همین رابطه که نشان از سرمایه‌ای بودن قبور در حوزه اقتصادی است، افول ارزشمندی املاک و خانه‌های مسکونی در یک گورستان و نابودی املاک حاصل‌خیر در دیگر گورستان بود. در واقع، توسعه گورستان نه تنها کمکی به افزایش قدرت اقتصادی مجاورین بر مبنای ارزش ملک نکرده که املاک کشاورزی که احتمالاً تنها سرمایه برخی از کشاورزان منطقه برای امرار معاش بوده را از دسترس خارج کرده است. در همین رابطه مشارکت‌کننده ۷۰ساله می‌گفت: «اگرچه توسعه گورستان به سمت زمین کشاورزی ما نیامده اما به دلیل اینکه دیوار امامزاده شکسته و مردم از پشت دیوار جاده‌ای را محل رفت و آمد کرده‌اند انگیزه ما هم برای کشاورزی کردن در آن زمین نیز از دست رفته و زمین را رها کرده‌ایم؛ آخر دست هم باید به خود امامزاده بفروشیم». مضاف بر این، وجود رقابت سازمانی بین اوقاف و متولی قبرستان مرکزی شهر یعنی شهرداری دلیل دیگری بر ساخت گور در قبرستان‌ها نه برای توسعه فضای عمومی و توسعه سرمایه‌های فرهنگی است بلکه تلاشی انتظام‌یافته برای گسترش سرمایه‌های اقتصادی مورد نظر هر دو سازمان می‌باشد.

نتیجه‌گیری

دینی بودن جامعه ایران، گسترش ایده گردشگری مذهبی و درنظرگرفتن گورستان به مثابه فضای عمومی از مهم‌ترین دلایل توسعه گورستان در امتداد بقاع متبرکه در دهه‌های اخیر بوده است. با این حال، این رویه در دهه‌های اخیر سرعت بیشتری گرفته و مدافعان و منتقدان جدی نیز دارد. این پژوهش با هدف کشف چالش‌های فرهنگی ناظر به سیاست توسعه گورستان‌ها در دو بقعه متبرکه انجام شده است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که توسعه گورستان‌ها اساساً به این سمت که بتواند دست‌کم برای مشارکت‌کنندگان به عنوان یک فضای عمومی تلقی گردد، نرفته و نظر به اصل مسئله پژوهش، دو نتیجه اساسی در حوزه چالش‌های فرهنگی به همراه داشته است.

نخست؛ تحلیل‌ها نشان می‌دهد، هیچ *پیوست نگاری فرهنگی* در خصوص توسعه گورستان‌های دو امامزاده انجام نشده و وجود ندارد. فقدان پیوست نگاری فرهنگی به این معناست که شناختی نسبت به ظرفیت‌های فرهنگی محل صورت نگرفته است. بر همین مبنا نه رابطه‌ای بین متصدیان امامزاده و فعالان فرهنگی محل در خصوص الگوهای پیشینی محلات وجود ندارد و نه دغدغه‌مندی در خصوص پاسخ به نیازهای فرهنگی برآمد از سیاست توسعه گورستان‌ها، شکل گرفته است. از سوی دیگر، توسعه گورستان‌ها بر اساس رویکردی ایدئولوژیک به زیارت، جهت اقناع عمومی پیش رفته است. به عبارت دیگر، متولیان امر تلاش کرده‌اند از زیارت برای توجیه تغییرات استفاده کنند و وضعیت موجود و ایجاد حس رضایت‌مندی در مردم را با توجه به ثواب زیارت استدلال‌پذیر نمایند. مضاف بر اینکه اختلاف جدی بین نگاه‌های فرهنگی معطوف به برنامه‌های فرهنگی امامزاده و دیگر سازمان‌های مردمی در این خصوص وجود دارد. به نوعی هیچ برنامه فرهنگی روشنی برای پاسخ‌گویی به نیازهای برآمد از این توسعه وجود ندارد و عملاً سازمان مربوطه به وظایف فرهنگی خود در قبال این سیاست عمل نکرده‌اند.

دوم؛ سیاست توسعه گورستان موجب ناترازی در فرهنگ بومی به عنوان یک چالش فرهنگی جدی شده است. بخشی از ناترازی فرهنگی به دلیل شیوع فرسودگی در زندگی فرهنگی مردم با توجه به طولانی‌بودن آیین‌های پس از دفن و سروصداها و آشوب‌های معطوف به عزاداری‌های خانواده‌های متوفی می‌باشد که درگیری‌های جدی در محل ایجاد کرده است. در این میان، غیر محلی‌هایی که از قدرت مالی برخوردارند قبرهای پیش‌فروش شده را خریده و به واسطه رفت و آمدهای مکرر به‌مرور تغییرات جدی فرهنگی در گورستان و محله وابسته آن ایجاد شده که نتیجه آن کم‌رنگ‌شدن هویت اجدادی محلی‌ها و نیز از بین رفتن مفهوم محله در این منطقه بوده است. علاوه بر اینکه این آیین‌ها و دفن‌های مکرر آسیب‌های جدی روانی به کودکان (سندرم ترس از مرگ) وارد کرده است. بخش دیگری از ناترازی مربوط به آسیب‌دیدن بن‌مایه‌های فرهنگی است. از نتایج مهم خرید قبرهای پیش‌فروش شده و رفت و آمدهای مکرر غیر محلی‌ها، محلات با نوعی از ناترازی در درک فرهنگی مواجهه‌اند. آنچه این ناترازی را تقویت کرده، مهاجرت محلی‌ها و انشقاق فامیلی است که رشد فرهنگی نامتعارف، محصول جایگزینی غیر محلی‌ها و اسکان آنها در خانه‌های مهاجرت کرده‌ها است. به علاوه اینکه فرم معماری محلی نیز یا متوقف شده و یا به شکل بومی و سنتی بازسازی می‌شود که با افزایش قیمت مسکن و زمین تأثیر اقتصادی چندانی برای محلی‌ها

ندارد. در نهایت اینکه ناترازی فرهنگی در زندگی بومی معطوف به این تفکر سازمانی است که گور را به عنوان سرمایه اقتصادی و نه سرمایه فرهنگی در نظر می‌گیرد. این ایده در سیاست توسعه گورستان، موجب افول ارزشمندی املاک مجاور و نابودی زمین‌های کشاورزی شده، خرید و فروش قبرهای طرح توسعه را رابطه‌ای کرده و علاوه بر اینکه رقابتی بین قیمت‌های گورستان این دو امامزاده با دیگر مناطق ایجاد می‌کند به تبع به قیمت‌های قبور این دو گورستان نیز افزوده است.

کتاب‌نامه

الف) فارسی

امیری، رغنا؛ حقیقت‌بین، مهدی (۱۳۹۶). «گورستان به عنوان یک چشم‌انداز فرهنگی در حال تحول در جوامع از گذشته تا به حال»، ***اولین کنگره بین‌المللی پژوهش‌های علوم میان‌رشته‌ای در شهرسازی و معماری***.

باصولی، مهدی؛ درخش، سعیده (۱۴۰۰). «بررسی سیاست‌های فرهنگی و دینی ایران در جهت توسعه گردشگری حلال»، ***مجله گردشگری فرهنگ***، پاییز، ش ۶، صص: ۲۵-۴۰.

برهانی رارانی، علی؛ شجاعی اصفهانی، علی (۱۴۰۲) «بررسی باستان‌شناسی منظر فرهنگی خوراسگان اصفهان در راستای بازشناسی محلهٔ فراموش‌شدهٔ میان یا وسطی از دورهٔ صفوی تا عصر حاضر»، ***پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران***، پاییز، ش ۳۸، صص: ۲۷۱ – ۲۹۶.

بشلر، ژان (۱۳۷۰). ***ایدئولوژی چیست؟***، ترجمه علی اسدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

بنیانیان، حسن (۱۳۹۰). ***پیوست فرهنگی: ضرورت های وجودی، راهکارها و فرآیندهای تدوین***، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

حقیر، سعید؛ شوهانی‌زاد، یلدا (۱۳۹۰). «چگونگی ارتقای جایگاه گورستان‌ها در جوانب فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری در ایران (با رویکرد به نقصان دستور کار ۲۱ مصوب سازمان ملل متحد در عدم توجه به امر تنوع فرهنگی)»، ***باغ نظر***، ش ۱۷، صص: ۸۱-۹۴.

سهیلی، محمد؛ خمسه، سمانه (۱۳۹۲). ***آشنایی با برنامه‌ریزی فرهنگی***، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

قادری، صلاح‌الدین (۱۳۹۲). «شاخص‌ها و متغیرهای پیوست فرهنگی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: عملیاتی‌کردن این شاخص‌ها برای انجام پژوهش‌های میدانی»، ***مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی***، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ - شماره ۴، صص: ۸۵-۱۰۴.

محمدپور، احمد، (۱۳۹۰). ***روش تحقیق کیفی، ضد روش ۲***، تهران: جامعه‌شناسان.

ب) لاتین

Antrop, M. (2004), Landscape change and the urbanization process in Europe. Landscape and Urban Planning, . ***Journal of Landscape and Urban Planning***, 67, 1-4 9-26.

Arendt, H (1998), ***The human condition. Chicago***: The University of Chicago Press.

Attride-Stirling, Jennifer (2001), Thematic networks: an analytic tool for qualitative research, Qualitative Research, ***Journal of Qualitative Research***, vol. 1(3): 385-405.

Basmajian, C., & Coutts, C (2010), Planning for the Disposal of the Dead. ***Journal of the American Planning Association***, 76, 3 305-317.

Carmona, M., Hanssen, G. S., Lamm, B., Nylund, K., Saglie, I.-L., & Tietjen, A. (2019), Public space in an age of austerity. ***Urban Design International***, 24(4), 241–259.

Chiodelli, F., & Moroni, S (2014), Typology of spaces and topology of toleration: City, pluralism, ownership. ***Journal of Urban Affairs***, 36(2), 167–181.

Cianetti, L (2020), Governing the multicultural city: Europe's "great urban expectations" facing

austerity and resurgent nativism. ***Urban Studies***, 57(13), 2697–2714.

Deering, A (2012), ***Over their dead bodies: A study of leisure and spatiality in cemeteries [Unpublished doctoral dissertation]***. University of Brighton.

Franck, K. A., & Huang, T.-S (2020), ***Types: Descriptive and analytic tools in public space research.*** In V. Mehta & D. Palazzo (Eds.) , Companion to public space (pp. 208–219). Routledge.

Fiedler, S., Breuer, J., Pusch, C., Holley, S., Wahl, J., Ingwersen, J., & Graw, M. (2012), Graveyards — Special landfills. ***Journal of Science of the Total Environment***, 419, 90–97.

Grabalov, Pavel (2022), Invisible public spaces: The role of cemeteries in urban planning and development in Moscow, ***Journal of Urban Affairs***.

Hajer, M. A., & Reijndorp, A. (2001), ***In search of new public domain: Analysis and strategy***. NAi Publishers.

Hur, M., Nasar, J., & Chun, B. (2010), Neighborhood satisfaction, physical and perceived naturalness and openness. ***Journal of Environmental Psychology***, 30, 1 52-59.

Jonker, C., & Olivier, J (2012), Mineral contamination from cemetery soils: Case study of Zandfontein cemetery, South Africa. ***International Journal of Environmental Research and Public Health***, 9, 2 511-520.

Lee, S. W., Ellis, C. D., Kweon, B. S., & Hong, S(2008), Relationship between landscape structure and neighborhood satisfaction in urbanized areas. ***Landscape and Urban Planning***, 85, 60-7.

Madanipour, A (2017), Public space and urban transformation. Planum. ***The Journal of Urbanism***, 35, 163–171.

McClymont, K (2016), "That eccentric use of land at the top of the hill": ***Cemeteries and stories of the city***. Mortality, 21(4), 378–396.

Nordh, H., & Evensen, K. H (2018), Qualities and functions ascribed to urban cemeteries across the capital cities of Scandinavia. ***Urban Forestry & Urban Greening,*** 33, 80–91.

Pargament, K. I., Mahoney, A., Exline, J. J., Jones, J. W., & Shafranske, E. P. (2013), Envisioning an integrative paradigm for the psychology of religion and spirituality. In K. I. Pargament, J. J. Exline, & J. W. Jones (Eds.) , APA ***handbook of psychology, religion, and spirituality***: Vol. 1. Context, theory, and research (pp. 3–19). American Psychological Association.

Peltonen, L., & Sairinen, R (2010), Integrating impact assessment and conflict management in urban planning: Experiences from Finland. ***Environmental Impact Assessment Review***, 30, 5 328-337.

Quinton, J. M., & Duinker, P. N (2019), Beyond burial: Researching and managing cemeteries as ***urban green spaces, with examples from Canada***. Environmental Reviews, 27(2), 252–262.

Richardson, J., H (1986), ***Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education***, Westport, CT: Greenwood, pp. 241–58

Santarsiero, A., Cutilli, D., Cappiello, G., & Minelli, L., (2000). Environmental and legislative aspects concerning existing and new cemetery planning. ***Microchemical Journal***, 67, 141-145.

Stevens, Q (2007), ***The Ludic City: Exploring the Potential of Public Spaces.*** Routledge: London.

Suditu, B., Ginavar, A., Muica, A., Iordachescu, C., Vardol, A., & Ghinea, B (2010), Urban Sprawl Characteristics and Typologies in Romania Human Geographies - ***Journal of Studies and***

Research in Human Geography 4, 2 79-87.

Uslu, A (2010), An ecological approach for the evaluation of an abandoned cemetery as a green area: The case of Ankara /Karakusunlar cemetery. ***African Journal of Agricultural Research***, 5, 10 10431054.

Wallner, A., Bauer, N., & Hunziker, M.(2007). Perceptions and evaluations of biosphere reserves by local residents in Switzerland and Ukraine. ***Landscape and Urban Planning***, 83, 2-3 104-114.

Sandercock, L (2006), Spirituality and the urban professions: The paradox at the heart of planning. ***Planning Theory & Practice***, 7(1), 65–97.

Swensen, G., & Skår, M (2019), Urban cemeteries' ***potential as sites for cultural encounters.*** Mortality, 24(3), 333–356.

Van Melik, R., & Pijpers, R. (2017). Older people's self-selected spaces of encounter in urban aging environments in the Netherlands. ***City &Community***, 16(3), 284–303.

Young, I. M. (2011), ***Justice and the politics of difference.*** Princeton University Press.

Amiri, Raghana; Haghighatbin, Mehdi (2017), Cemetery as a Cultural Landscape in Evolving Societies from the Past to the Present, ***First International Congress of Interdisciplinary Research in Urban Planning and Architecture.***

Basoli, Mehdi; Darakhsh, Saeideh (2011), A Study of Iran's Cultural and Religious Policies for the Development of Halal Tourism, , ***Journal of Culture Tourism***, Vol. 6, pp. 25-40.

Borhani Rarani, Ali; Shojaei Esfahani, Ali (2013), An Archaeological Study of the Cultural Landscape of Khorasgan in Isfahan in the Direction of Recognizing the Forgotten Middle or Middle Neighborhood from the Safavid Period to the Present, ***Iranian Archaeological Research***, Fall, 38, pp. 271-296.

Bechler, Jean (2011), ***What is Ideology? Translated by Ali Asadi***, Tehran: Publishing Joint Stock Company.

Bonyanian, Hassan (2011), Cultural Appendix: Existential Necessities, Strategies and Compilation Processes, Tehran: ***Cultural Institute of Contemporary Knowledge and Thought.***

. Haghir, Saeed; Shohanizad, Yalda (2011), How to Promote the Position of Cemeteries in Cultural and Social Aspects of Sustainable Urban Development in Iran (With an Approach to the Deficiency of Agenda 21 Approved by the United Nations in Not Paying Attention to Cultural Diversity) , ***Bagh-e-Nazar***, No. 17, pp. 81-94.

Soheili, Mohammad; Khamseh, Samaneh (2013), ***Introduction to Cultural Planning, Mashhad***: Astan Quds Razavi Publications.

Ghaderi, Salahuddin (2013), Indicators and variables of cultural attachment in the Iranian Islamic model of progress: operationalizing these indicators for conducting field research, ***Studies on the Iranian Islamic model of progress***, Fall and Winter,4, pp85-104

Mohammadpour, Ahmad, (2011), ***Qualitative research method, anti-method 2***, Tehran: Sociologists.

Antrop, M. (2004), Landscape change and the urbanization process in Europe. ***Landscape and Urban Planning***, 67, 1-4 9-26.

Arendt, H (1998), ***The human condition***. Chicago: The University of Chicago Press.

Attride-Stirling, Jennifer (2001), Thematic networks: an analytic tool for qualitative research, ***Qualitative Research***, vol. 1(3): 385-405.

Basmajian, C., & Coutts, C (2010), Planning for the Disposal of the Dead. ***Journal of the Ameri-***

can Planning Association, 76, 3 305-317.

Carmona, M., Hanssen, G. S., Lamm, B., Nylund, K., Saglie, I.-L., & Tietjen, A. (2019), Public space in an age of austerity. ***Urban Design International***, 24(4), 241–259.

Chiodelli, F., & Moroni, S (2014), Typology of spaces and topology of toleration: City, pluralism, ownership. ***Journal of Urban Affairs***, 36(2), 167–181.

Cianetti, L (2020), Governing the multicultural city: Europe's "great urban expectations" facing austerity and resurgent nativism. ***Urban Studies***, 57(13), 2697–2714.

Deering, A (2012), ***Over their dead bodies***: A study of leisure and spatiality in cemeteries [Unpublished doctoral dissertation]. University of Brighton.

Franck, K. A., & Huang, T.-S (2020), Types: Descriptive and analytic tools in public space research. In V. Mehta & D. Palazzo (Eds.) , ***Companion to public space*** (pp. 208–219). Routledge.

Fiedler, S., Breuer, J., Pusch, C., Holley, S., Wahl, J., Ingwersen, J., & Graw, M. (2012), Graveyards — Special landfills. ***Science of the Total Environmen***t, 419, 90–97.

Grabalov, Pavel (2022), Invisible public spaces: The role of cemeteries in urban planning and development in Moscow, ***Journal of Urban Affairs***.

Hajer, M. A., & Reijndorp, A. (2001), ***In search of new public domain:*** Analysis and strategy. NAi Publishers.

Hur, M., Nasar, J., & Chun, B. (2010), Neighborhood satisfaction, physical and perceived naturalness and openness. ***Journal of Environmental Psychology***, 30, 1 52-59.

Jonker, C., & Olivier, J (2012), Mineral contamination from cemetery soils: Case study of Zandfontein cemetery, South Africa. ***International Journal of Environmental Research and Public Health***, 9, 2 511-520.

Lee, S. W., Ellis, C. D., Kweon, B. S., & Hong, S) 2008), Relationship between landscape structure and neighborhood satisfaction in urbanized areas. ***Landscape and Urban Planning***, 85, 60-7.

Madanipour, A (2017), Public space and urban transformation. Planum. ***The Journal of Urbanism,*** 35, 163–171.

McClymont, K (2016), "That eccentric use of land at the top of the hill": ***Cemeteries and stories of the city. Mortality***, 21(4), 378–396.

Nordh, H., & Evensen, K. H (2018), Qualities and functions ascribed to urban cemeteries across the capital cities of Scandinavia. ***Urban Forestry & Urban Greening***, 33, 80–91.

Pargament, K. I., Mahoney, A., Exline, J. J., Jones, J. W., & Shafranske, E. P. (2013), ***Envisioning an integrative paradigm for the psychology of religion and spirituality***. In K. I. Pargament, J. J. Exline, & J. W. Jones (Eds.) , ***APA handbook of psychology, religion, and spirituality***: Vol. 1. Context, theory, and research (pp. 3–19). American Psychological Association.

Peltonen, L., & Sairinen, R (2010), ***Integrating impact assessment and conflict management in urban planning***: Experiences from Finland. Environmental Impact Assessment Review, 30, 5 328-337.

Quinton, J. M., & Duinker, P. N (2019), ***Beyond burial: Researching and managing cemeteries as urban green spaces, with examples from Canada***. Environmental Reviews, 27(2), 252–262.

Richardson, J., H (1986). ***Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education, Westport***, CT: Greenwood, pp. 241–58

Santarsiero, A., Cutilli, D., Cappiello, G., & Minelli, L(2000). Environmental and legislative aspects concerning existing and new cemetery planning. ***Microchemical Journal***, 67, 141-145.

Stevens, Q (2007), The Ludic City: Exploring the Potential of Public Spaces. Routledge: London.

Suditu, B., Ginavar, A., Muica, A., Iordachescu, C., Vardol, A., & Ghinea, B (2010), Urban Sprawl Characteristics and Typologies in Romania Human Geographies - ***Journal of Studies and Research in Human Geography*** 4, 2 79-87.

Uslu, A (2010), An ecological approach for the evaluation of an abandoned cemetery as a green area: The case of Ankara /Karakusunlar cemetery. ***African Journal of Agricultural Research***, 5, 10 10431054.

Wallner, A., Bauer, N., & Hunziker, M.(2007). Perceptions and evaluations of biosphere reserves by local residents in Switzerland and Ukraine. ***Landscape and Urban Planning***, 83, 2-3 104-114.

Sandercock, L (2006), Spirituality and the urban professions: The paradox at the heart of planning. ***Planning Theory & Practice,*** 7(1), 65–97.

Swensen, G., & Skår, M (2019), ***Urban cemeteries' potential as sites for cultural encounters***. Mortality, 24(3), 333–356.

Van Melik, R., & Pijpers, R. (2017). ***Older people's self-selected spaces of encounter in urban aging environments in the Netherlands***. City &Community, 16(3), 284–303.

Young, I. M. (2011), ***Justice and the politics of difference***. Princeton University Press.